

● هوشنگ کریمی

دائرة المعارف مستشرقان

دائرة المعارف مستشرقان

عبدالرحمن بدوی

ترجمه

صالح طباطبایی



■ بدوی عبدالرحمن
 ■ دائرة المعارف مستشرقان
 ■ ترجمه صالح طباطبایی
 ■ تهران: روزنه، ۱۳۷۷

شرق به پژوهش می‌پردازد؟
 آیا با بی‌تخصصی، بی‌ذوقی و بی‌بهره بودن از فن و تکنیک می‌توان گذشته ملتی، آثار تاریخی قومی و روحیات مردمی را بهتر از خودشان شناخت؟
 آیا تمام کسانی که به کاوش عالمانه می‌پردازند دست‌نشانندگان زر و زورند؟
 در دایره‌المعارف فارسی دکتر غلامحسین مصاحب مستشرق این‌گونه تعریف شده است:

«مستشرق یا خاورشناس، دانشمندی که برای شناختن مشرق زمین و زبان و ادبیات و علوم و هنرها و سایر مسایل مربوط به آن بحث و تحقیق می‌کند، برحسب آن که موضوع، خاص تحقیق یک مستشرق کدام کشور باشد؛ به لقب خاص دیگری نیز معرفی می‌شود، ایران‌شناس، مصر شناس، آشورشناس و غیره...»^۱

نگاه ما باید به شرق‌شناس عالمانه باشد ضمن این‌که جوانب موضوع را بررسی می‌کنیم غرض آلود ننگریم. فضایی بسازیم تحقیقی و پژوهشی و قبل از اینکه اندیشه‌ای را خوب و دقیق شناختیم به داوری ننشینیم. جان آربری^۲ می‌گوید:

«پیش از آن که بتوانیم از حق شرق و ملت‌های شرقی در برابر وجدان مشترک غربی آن گونه که شایسته است، پاس داریم، لازم است انبوهی از مطالب باطل، سوء فهم‌ها و دروغ‌های عمدی را در این باره از اذهان بزدا کنیم و این بخشی از وظیفه یک خاورشناس باوجدان است که بدین کار همت گمارد، لیکن نباید گمان برد که این کار ماموریتی سهل و آسان خواهد بود و یالینکه پاداش تلاش‌های خود را خواهد دید.»^۳

دائرة‌المعارف مستشرقان کتابی است که می‌کوشد به ذکر زندگینامه و زمینه‌های تحقیقی و آثار صد و نود و شش تن از کسانی بپردازد که از نگاه نویسنده، مستشرق نامیده می‌شوند.

بررسی کتاب

۱- مورد اول:

یک‌دست نبودن کتاب است، به این معنی که درارایه‌ی آگاهی‌های مربوط به افراد از شیوه‌ی منطقی و یکسانی استفاده نشده است. مثلاً درباره برخی به طور نسبتاً کامل مشروح فعالیت‌ها و زندگی آن‌ها نگاشته شده است، به این

بی‌بهره بوده و به این مناسبت با آموختن یک زبان شرقی به خدمت مخفی یا علنی وزارت خارجه مملکت خود درآمده ... و

این جوری است که مستشرق‌ها داریم با کتاب‌ها و تتبعات و حفریان ...

آن وقت در این گرم بازار نیاز به تحول ماشینی مستشرق فرنگی چه می‌کند؟

می‌آید و شرح بر ملاصدرا می‌نویسد...^۱

به راستی مستشرق کیست؟

آیا هر آن کسی که زبانی شرقی فرا گرفت و ترجمه‌ای کرد مستشرق است؟

آیا وی انگلی است که از دست‌آوردهای استعمار تغذیه می‌کند؟

یا میزبانی است که استعمار انگل جانش شده است؟ آیا او دانایی است که بر تمامی مسایل مشرق زمین

احاطه دارد؟

یا کسی است که درباره تعداد محدودی از مظاهر تمدن

خدا یا! عقیده مرا از دست «عقد‌ام» مصون بدار.

(دکتر علی شریعتی، مجموعه آثار (۸)، ص ۹۰)

ضروری است پیوسته در حال شک شناخت اطلاعات و ارزیابی باشیم و سپس با این اطلاعات و شناخت و نتایج ارزیابی مسیر کار فرهنگی را تصحیح کنیم. برای این منظور نیاز ما به بررسی پیشینه‌های ذهنی و بازنگری و تحلیل آنها حتمی است.

جلال آل احمد در غرب‌زدگی می‌نویسد:

«... و اصلاً من نمی‌دانم این شرق‌شناسی از کی تابه حال «علم» شده است؟

اگر بگوییم فلان غربی در مسایل شرقی زبان‌شناس است یا لهجه شناس یا موسیقی‌شناس، حرفی و ...

ولی شرق‌شناس به طور اعم یعنی چه؟

یعنی عالم به کل خفیات در عالم شرق؟

این را می‌گوییم انگلی روییده بر ریشه‌ی استعمار... مستشرقی که چون در ولایت غربی خودش هیچ تخصصی نداشته و از هر فن و حرفه و تکنیک و ذوقی

صورت که زندگی آن‌ها از زمان تولد تا مرگ به همراه میزان تحصیلات، رشته‌ی تحصیلی، مشاغل، - اعم از دولتی و غیردولتی - و آثار و اطلاعات دیگر ذکر شده است.

مانند آرثور جن آربری (ARTHUR JOHN ARBERY) ص ۱
آسین پالاسیوس (MIGUEL A SIN PALACIOS) ص ۸

که در مورد او به تاریخچه‌ی زادگاهش نیز اشاره شده است. در حالی که برای برخی دیگر اطلاعات بسیار مختصر و کوتاهی آورده شده است.

مانند بالباس (LE OPOLDOTORRES BALBAS) ص ۹۱
گوتیه (گتی‌یه) (E.F. GAUTIER) ص ۵۳۶
مورد دوم:

نویسنده و مترجم تعریف قابل‌قبولی از مستشرق به دست نداده‌اند. ضروری بود مترجم، اگر نویسنده در اصل کتاب تعریف ویژه‌ای از مستشرق نگاشته است، ذکر کند و یا اینکه خودش تکلیف مراجعه‌کننده به کتاب را روشن سازد که بر اساس چه معیاری به کسی مستشرق می‌گوییم؟

در مقدمه تعریفی از مستشرق ذکر شد.
اگر ما آن تعریف را بپذیریم کسانی چون:
فی‌بونوچی (LEONARDO FIBONACCI) ص ۴۳۳

ژربر (GERBERT) ص ۳۴۰
رافائل قبطی (RAPHAEL DE MONACHIS) ص ۲۷۳

را نمی‌توان مستشرق دانست.
عبدالرحمن بدوی درباره ژربر در همین کتاب می‌نویسد:

«اما درباره‌ی منابع اسلامی یا دانشمندان مسلمانی که ژربر از آن‌ها استفاده کرده، کوچک‌ترین نشانه یا اثری از او در دست نیست همچنان که از وی به عنوان اسقف و چه به عنوان پاپ، گزارش‌هایی مبنی بر تشویق جهان مسیحی به فراگیری علوم اسلامی و یا ترجمه‌ی متون عربی به لاتین موجود نیست...»^۵

سؤال این است به چه دلیل نام ژربر به عنوان مستشرق در دایره‌المعارف مستشرقان آمده است؟
مورد سوم:

با توجه به مقدمه‌ی مترجم.
عدم آوردن دلیل بر سخن خود است در مقدمه آمده است: «نخستین رویکرد غربیان به مقوله‌ی شرق‌شناسی به ویژه اسلام‌شناسی تقریباً هیچ‌گاه خوش‌بینانه یادست کم، واقع‌بینانه نبود...»

بسیاری از رده‌های غرض‌الود و ادعای‌های آکنده از دروغ در همین دوره به نگارش درآمدند.»
و سپس ایشان نام کسانی چون:

پی‌یرلو نیرابل (PIERRE LEVENERABLE) ص ۱۷۶
سگوییایی (خوان‌آلفونسی) (JUAN ALFONSO DE SEGOBIA) ص ۳۶۱

پاسکوال (PEDRA PASCUAL) ص ۱۴۰
ریکلدو (RICOLDO) ص ۳۳۲
گواداینولی (FILLIPO GUADAGNOLI) ص ۵۳۱

را برای اثبات گفته‌ی خویش در پاورقی ذکر می‌کنند.
از میان افرادی که ایشان نام برده‌اند و خواننده را به‌عنوان آن‌ها در همین کتاب (دایره‌المعارف مستشرقان) ارجاع داده‌اند نمی‌توان برای اثبات سخن ایشان آنچه را که درباره «پاسکوال» و «گواداینولی» نوشته شده سند قرار داد.

درباره «پاسکوال» هیچ دلیلی در اثبات سخن مترجم ذکر نشده است. و نیز درباره «گواداینولی» توضیح داده نشده است که کتاب او در رد اسلام نگاشته شده یاد رد کتاب «صاقل المرآه» اثر احمد بن زین‌العابدین اصفهانی. حال آنکه مثلاً درباره‌ی «ونرابل» تصریح شده است که او کتابی با عنوان «ردیه بر اسلام» نگاشته است.

و همچنین مترجم در مقدمه‌ی خود می‌نویسد:
«هم‌زمان گروهی از شرق‌شناسان با هدف تربیت مبلغان مذهبی (مسیحونرها) یا گسترش روابط تجاری و سیاسی با مشرق زمین به آموزش زبان‌های شرقی همت گماردند.»

در پاورقی نیز از کسانی نام می‌برد که از میان آنها - پدرو آلکای (PEDRO de ALCLA) مصداق این مدعاست. زیرا به نقل از خود او ذکر شده است:

«این‌ها برای میسیونر مسیحی، به منظور تبلیغ میان مسلمین بسیار ضروری است.»^۶

در مورد دیگران مطلبی دال بر نوشته‌ی مترجم وجود ندارد.

و مترجم از کسانی چون:
فی‌بونوچی، ژربر و خوان سویلایی نام می‌برد. و می‌نویسد که آن‌ها کمتر به ترجمه‌ی متون شرقی و استفاده از اندوخته‌های علمی شرق روی آورده‌اند.

پس بر چه اساسی به عنوان مستشرق از آن‌ها نام برده شده است؟ و نکته‌ی دیگر اینکه در همین کتاب (دایره‌المعارف مستشرقان) به نقل از (اشتاینشایدنر) ترجمه‌ی بیست اثر به سویلایی نسبت داده شده است.^۷

بہتر بود مترجم علاوه بر توضیحات مفیدی که در پاورقی‌ها داده‌اند به رفع این نواقص نیز می‌پرداختند.
در هر حال کتاب دایره‌المعارف مستشرقان جایگاه خالی

اثری از این دست را نسبتاً پر می‌کند.
به امید آن صبحی که آفتاب معرفت بر انسان بتابد و مهر و آشتی بر جهان سایه گسترد.

پانویس‌ها:

- ۱- غربزدگی، جلال آل احمد صص ۱۵۳ - ۱۵۲ - انتشارات فردوس
- ۲- دایره‌المعارف فارسی مصاحب ص ۲۷۶۰ جلد دوم بخش دوم
- ۳- Arthur John Arberry
- ۴- دایره‌المعارف مستشرقان، ص ۴.
- ۵- همان، ص ۳۴۳.
- ۶- در صفحه ۱۶۰ کتاب پدرو آلکالایی ثبت شده است.
- ۷- دایره‌المعارف مستشرقان ص ۱۶۲.
- ۸- همان، ص ۲۰۰.